

پیشگفتار



هیچ چیز بیرون از فرد نیست که خوشبختی را برای او
به ارمغان بیاورد، بلکه یافتن و ساختن خویش است که
می‌ارزد محور تلاش‌ها باشد.

- پادرا فریادیان / ۴، ص ۲۳

گرایش به موفقیت یکی از نیازهای فطری (ذاتی) بشر است. به گفته حضرت علی (ع): "موفقیت عطیه‌ای الهی است که هیچکس از آن بی‌نیاز نیست."
موفقیت همیشه و در همه دوره‌های زندگی بشر مهم بوده، اما از چند دهه اخیر تاکنون موفقیت، اهمیت بیشتر و بیشتری یافته است. امروزه به هیچ‌واژه‌ای به اندازه واژه موفقیت اشاره نمی‌شود. انگار موفقیت، گمشده و کعبه آمال همه انسان‌هاست و همه نهایت رویاها و آرزوهای خود را در این واژه جستجو می‌کنند. کم نیستند کسانی که در جستجوی موفقیت به هر سویی رهسپار می‌شوند و بخش اعظمی از عمر ارزشمند خود را برای رسیدن به رویای فریبنده موفقیت سپری می‌کنند.
کتاب‌های گوناگونی در باب موفقیت به رشته تحریر درآمده است که اغلب آنها روش‌ها و ابزارهای جدیدی را برای دستیابی به موفقیت به خوانندگان خود معرفی می‌کنند که برخی از این روش‌ها مفید و کارآمد هستند.

در این میان هستند نویسندگان و سخنرانانی که به "موفقیت در چند قدمی" اشاره می‌کنند؛ موفقیت یک‌شبه با کاربرد تکنیک‌های ساده. این عبارتی خوشایند و برانگیزاننده برای کسانی است که توان و اراده‌ای برای حرکتی پایدار و عمیق به سوی موفقیت حقیقی را ندارند و می‌خواهند با کمترین تلاش و حرکت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، الهه موفقیت را در آغوش کشند. این کتاب‌ها افراد را نه به چشمه‌ای زلال و جاری از موفقیت واقعی، بلکه به سوی سرابی از موفقیت ظاهری و بی‌ارزش می‌کشاند که عطش درونی آنها را هرگز سیراب نخواهد کرد. برخی از این کتاب‌ها برای نگارندگان خود ثروت و شهرت بی‌حسابی به ارمغان آورده‌اند، اما خوانندگان را حتی گامی به موفقیت واقعی نزدیک نکرده‌اند.

موفقیت گوهری ارزشمند و دست‌یافتنی است. همیشه و در همه جوامع افرادی که باهوش‌تر و بلندپروازترند و از پشتکاری قوی برخوردارند، گام در مسیر موفقیت می‌گذارند. آنها تکنیک‌های موفقیت را فرا می‌گیرند و می‌آموزند چگونه با هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و تلاش به هدف‌های خود دست یابند و در نهایت طعم شیرین موفقیت را می‌چشند.

اینگونه است که موفقیت‌های کوچک و بزرگ یکی پس از دیگری فرا می‌رسند؛ موفقیت‌هایی که دیگران برای آن دست می‌زنند و هورا می‌کشند. دیگران موفق‌ها را تحسین و حتی به آنها حسادت می‌کنند.

موفقیت دستاوردهای گرانبهایی دارد؛ دستاوردهایی مانند شغل خوب، احترام دیگران، جایگاه اجتماعی بالا و درآمد مناسب. اما نکته اینجاست که گاهی این دستاوردها به انسان احساس شادی و رضایت عمیق و پایدار نمی‌دهد. پس از هر موفقیت ابتدا از چشمه موفقیت سیراب می‌شویم و احساس رضایت و شادی می‌کنیم، اما پس از مدت کوتاهی این احساس جای خود را به تشنگی دوباره می‌دهد و ما به دنبال موفقیتی جدید می‌گردیم تا عطش درونی خود را سیراب کنیم؛ عطش سیری‌ناپذیری که در ذات همه انسان‌ها وجود دارد.

بدین ترتیب است که افراد موفق دست در دست الهه موفقیت به پیش می‌روند و یکی یکی قلله‌های موفقیت را طی می‌کنند، اما پس از رسیدن به هر قله، فکر فتح قله بلندتری را در سر می‌پرورانند.

آنها با وسوسه موفقیت پا در راه می‌نهند، اما جایی که تشنه‌تر و حریص‌تر از همیشه هستند، الهه موفقیت دستشان را رها می‌کند و آنها پس از طی مسیری دشوار و جایی در میانه راه درمی‌یابند که به چیزی فراتر از موفقیت نیاز دارند؛ به حقیقتی والاتر. آنها برای ادامه مسیر نیازمند دستاویزی قدرتمندتر هستند.

اما این دستاویز قدرتمند چیست؟ و بالاترین قله موفقیت کجاست؛ آنجایی که به رهروان، احساسی عمیق از رضایت و آرامش درون می‌دهد؟ و این کدام چشمه گوارا و زلالی است که می‌تواند عطش جستجوگران سراب موفقیت را سیراب کند؟

برای پاسخ این پرسش به تعریف موفقیت بازمی‌گردیم. موفقیت یعنی رسیدن به خواسته. هر چه خواسته ما بزرگتر باشد، موفقیت ما نیز بزرگتر است و هرچه خواسته ما واقعی‌تر باشد، موفقیت ما واقعی‌تر. اما چه خواسته‌ای بزرگتر و واقعی‌تر از این است که خودمان باشیم. خود حقیقی‌مان را تحقق بخشیم. آن گوهر گرانبهایی که در عمق وجود هر یک از ما به امانت گذاشته شده، از زنگارها پاک کنیم و صیقل دهیم؛ گوهری که درخشش خیره‌کننده‌اش می‌تواند همه هستی را روشن کند.

انسان آنگاه احساس رضایت و موفقیت واقعی می‌کند که نه بالاترین قله هستی، که بالاترین قله وجود خود را فتح کند و به بهترین انسانی تبدیل شود که می‌تواند باشد. و این چیزی نیست جز قله تعالی.

تعالی مسیری است برای رشد و بهترین شدن؛ مسیری برای کشف و بازآفرینی خویش؛ برای تحقق خود حقیقی‌مان که بهترین نسخه از ماست.

سفر تعالی با شناخت و پذیرش خویش آغاز می‌گردد. پادرا فریادیان در کتاب زیبای "در جستجوی خویشتن از یاد رفته" می‌نویسد: [۴، ص ۱۲]

سفر و بلوغ انسان آنگاه آغاز می‌گردد که با خود مواجه گردد... با خویش که مواجه گردد برمی‌خیزد و فردیت و زندگی واقعی خود را آغاز می‌کند

اما این خود یا خویش چیست؟ فریادیان معتقد است: [۴، ص ۲۵]

"خویشتن یک شکل، الگو و قالب خاص ندارد بلکه فردیتی است که در هرکس منحصر به فرد است."

سفر تعالی با شناخت خویش آغاز می‌شود، همان فردیت منحصر به فرد هرکس و سپس با بازآفرینی خویش ادامه می‌یابد، تا آنجا که هرکس به بهترین نسخه خود تبدیل شود. برای انسان دستاوردی بالاتر از این نیست که بهترین خود باشد، اما بهترین نه در مقایسه با دیگران؛ چراکه هر انسانی وجودی یگانه دارد. اینجا تنها شاخص واقعی مقایسه، مقایسه انسان با خویش است؛ با هر آنچه که می‌تواند باشد. پیام بزرگ این کتاب همین است؛ حرکت در مسیر تعالی. اینکه از مسیر موفقیت دست بردارید و به تعالی بیندیشید. کتاب به شما می‌آموزد که چگونه مسیر تعالی فردی خود را بیابید و چگونه قدم در راه نهید. آنگاه که قدم در مسیر تعالی گذاشتید، اگر صبور باشید و پرتلاش، موفقیت‌ها هم یکی پس از دیگری از راه خواهند رسید. با گام گذاشتن در مسیر تعالی، این موفقیت‌ها هستند که به دنبال شما می‌آیند، نه اینکه شما به دنبال آنها باشید. این موفقیت‌ها واقعی‌ترند؛ چون به‌راستی از آن شما هستند و شما را به انسانی والاتر و بهتر تبدیل می‌کنند.

درباره کتاب

کتاب "از موفقیت تا تعالی" ضمن آشنا کردن شما با مبحث تعالی به شما یاد می‌دهد تا طرح کاملی برای تعالی فردی خود بنویسید و آن را به اجرا درآورید. بخش نخست کتاب به معرفی مفهوم تعالی و مقایسه آن با مفهوم موفقیت اختصاص دارد. این بخش شامل سه فصل است. در فصل اول شما با مفهوم متداول موفقیت آشنا می‌شوید و درمی‌یابید که مسیر موفقیت با تشخیص و تعریف خواسته‌های واقعی آغاز می‌شود.

در فصل دوم به شما نشان می‌دهیم که برای تعیین خواسته‌های واقعی و درونی خود، باید خود را عمیقاً بشناسید. پس مقدمه خواسته‌شناسی، خودشناسی است.

فصل سوم به بحث عمیق رشد و تعالی اختصاص دارد. در این فصل به شما نشان می‌دهیم که پس از تعیین خواسته واقعی و موفقیت در دستیابی به آن، هم زندگی و هم شخصیت انسان دچار دگرگونی و تحول می‌شود و این دگرگونی اگر در جهت مثبت باشد که به اعتقاد ما باید اینگونه باشد، در این صورت است که رشد اتفاق می‌افتد و رشد اگر در جهت درست و مستمر باشد، انسان را در مسیر تعالی قرار می‌دهد. مسیر تعالی، مسیر بازآفرینی زندگی و مهم‌تر از آن شخصیت انسان است. در مسیر تعالی، انسان، هر قدم به انسانی بهتر از قبل تبدیل می‌شود.

در فصل چهارم با بیان تفاوت بین مَنَش و شخصیت انسان، نشان می‌دهیم آنچه به واقع در مسیر تعالی باید رشد کند و بهتر شود، مَنَش انسان است؛ یعنی آنچه واقعا هست و نه شخصیت انسان؛ یعنی آنچه به ظاهر می‌نماید.

در فصل پنجم نشان می‌دهیم که رشد و بهبود واقعی باید در ذهن انسان صورت گیرد، زیرا ذهن، بخش اصلی وجود هر انسانی است. در این فصل عملکرد ذهن را به بحث می‌گذاریم. در فصل آخر این بخش شما را با نیازهای روانی انسان آشنا می‌کنیم. رفع نیازهای روانی انگیزه بسیاری از اعمال و رفتار ما هستند و بدون شناخت آنها نمی‌توانیم طرح تعالی خود را بنویسیم.

در بخش دوم کتاب شما یاد می‌گیرید که طرح تعالی فردی خود را قدم به قدم کشف کنید و بنویسید. فصل هفتم کتاب به بحث مهم شناخت و بازآفرینی ذهن می‌پردازد. با مطالعه این فصل و انجام تمرین‌های آن، شما افکار خود و بخصوص اعتقادات و باورهای خود را عمیقا می‌شناسید و در صورت لزوم بازآفرینی می‌کنید. بدون تغییر افکار، بخصوص باورهای بنیادین، گام برداشتن در مسیر رشد و تعالی امکان‌پذیر نیست.

در فصل هشتم کتاب شما یاد می‌گیرید که خواسته‌های حقیقی و بنیادی خود را کشف کنید. با مطالعه و انجام تمرین‌های ارائه شده، شما ارزش‌های واقعی خود را کشف می‌کنید و چشم‌انداز و ماموریت خود را پیدا می‌کنید. در فصل آخر با توجه به اطلاعاتی که در فصل قبل به دست آوردید، طرح تعالی فردی خود را می‌نویسید و به اجرا در می‌آورید.

